



روز چهارم آبان ۱۳۴۳ امام خمینی در اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون طی نطق شدیدالجنی فرمودند «عظمت ایران از بین رفت، استقلال از دست رفت، عزت ما پایکوب شد. مگر ما مستعمره هستیم؟ مگر ایران در اشغال آمریکاست؟»
لایحهٔ کاپیتولاسیون(Capitulation) از کلمه (- C pitulate) به معنای شرط گذاشتن و در معنای لغوی آن سلازش و تسلیم آمده است. کاپیتولاسیون به قراردادهایی اطلاق می‌شود که به موجب آن اتباع یک دولت در قلمرو دولت دیگر مشمول قوانین کشور خود می‌شوند و آن قوانین توسط کنسول آن دولت در محل اجرا می‌شود، به همین جهت در فارسی به آن «حق قضاوت کنسولی» نیز گفته می‌شود. مقررات کاپیتولاسیون اگرچه از دوره صفوی به صورت ناوخته در مورد اتباع اروپایی رعایت می‌شد اما به صورت قانون از دوران قاجار پس از جنگ‌های ایران و روسیه طی عهدنامه ترکمانچای به اتباع دولت روسیه تزاری داده شد. با این حال حق قضاوت اتباع یک کشور به همان عرف و قانون کشور متبوع در یک کشور دیگر امری بود کهه در ایران از دوران صفویه وجود داشته اما با این تفاوت اساسی که چنین حقی، محترمانه و اغلب مواقع تعهدی دوسویه بوده است، رویه‌ای که با تفوق روسیه بر ایران بالاجبار کنار گذاشته شد و از آن پس «تحمیلی» شد ولی اگرچه در دوران قاجار این امر با توجه به شکستی که ایران طی جنگ‌ها نصیبش شد بر ملت و دولت ما تحمیل شد اما در دوران محمدرضا پهلوی کاپیتولاسیون به مثابه هدیه‌ای به آمریکا اهدا شد.

- چگونگی تصویب لایحه کاپیتولاسیون**

روی کار آمدن دموکرات‌ها در پاییز ۱۳۳۹ در آمریکا و ریاست‌جمهوری جان اف. کندی تاثیر فراوانی در تغییر سیاست حکومت ایران داشت. کندی که بر

تاملات

چگونه حاکمان مستبد عزت ملی را در پای بیگانگان ذبح کردند؟

# کاپیتولاسیون در ایران از آغاز تا پایان

- محمودرضا جعفریان

مشتترکاً طی تلگرافی مخالفت خود را به شاه اعلام کردند. پس از آن امام برگزاری فراندوم «شاه و مردم» را طی اعلامیه‌ای «فراندوم اجباری» نامیدند و آن را تحریم کردند. اگر چه رژیم در صدد بود تصویب لایحه کاپیتولاسیون در جامعه بازتاب چندانی نداشته باشد اما امام خمینی(ره) چند روز پس از تصویب لایحه از آن آگاه شدند و در جلسته‌ای که با حضور شهید

محللاتی و آقای مولایی بود، فرمودند: «این از آن اموری است که ما باید دنبال کنیم و عزت اسلام را زنده کنیم. این قسه رأی زن‌ها نیست که آنها به ما وصله ارتجاعی بچسبانند، این قسه تقسیم اراضی نیست که به ما بگویند طرفدار مالکان هستند، این مساله‌ای است که تمام آزادی‌خواهان دنیا این مساله را قبول دارند که ما برای آزادی می‌جنگیم. ما هدفمان یک هدف ارتجاعی نیست؛ ما هدفمان این است که از زیر یوغ استعمار آمریکا و اسرائیل بیرون بیایم. ما می‌خواهیم یک ملت مستقل باشیم.نه زیر یوغ استعمار آمریکا که مستشارانش در مملکت ما هر چه جنایت می‌خواهند بکنند، بکنند و هیچ دستگاه قضایی حق نداشته باشد آنها را دستگیر کند». صبح روز دوشنبه چهارم آبان ۴۳ که مصاف با تولد حضرت فاطمه‌الزهر(ع) بود، امام تصمیم گرفتند درباره کاپیتولاسیون سخنرانی کنند. رژیم که از قبل در جریان سخنرانی امام قرار گرفته بود، با اعزام نماینده‌ای به قم، سعی کرد مانع سخنرانی ایشان شود ولی امام این فرد را به حضور نپذیرفت. امام خمینی(ره) نطق تاریخی خود را با انالله و انا الیه راجعون آغاز کردند، سخنرانی امام با این جملات آغاز شد: «عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند، قانونی را به مجلس بردند که در آن ما را ملحق کردند به پیمان وین…که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هاشان، با کارندهای فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه‌شان… از هر جنباتی که در ایران بکنند مصون هستند، آقا من اعلام خطر می‌کنم، ای ارتش ایران! من اعلام خطر می‌کنم… والله گناهکار است کسی که فریاد نکند. ای سران اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید…». سپس امام در همان روز بیانیه‌ای صادر کردند: «دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمان دارند از اجنب است، از آمریکاست، ملل اسلام از اجنب عموما و از آمریکا

در تاریخ ۳۱۵۷-۱۱/۲۵/۱۳۴۲ دولت و ضنائم آن که در ۱۱/۲۱/۴۲ با مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می‌شود رئیس و اعضای هیات‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند و ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضا رسیده است، می‌باشند، برخوردار نمایند. مجلس سنا پس از چند ماه بررسی سرانجام مرداد ۴۳ لایحه را تصویب و آن را به مجلس شورای ملی فرستاد، این طرح ابتدا با مخالفت نمایندگان مجلس مواجه شد ولی منصور به سختی از لایحه دفاع کرد و به قصد آرام کردن فضا و ساکت کردن مخالفان، آشکارا و به عمد به آنان درباره مفاد لایحه دروغ گفت. او حتی به خبرنگاران هم دروغ گفت و این مصونیت را تنها از آن مستشاران نظامی دانست و سایر اتباع آمریکایی را از آن مستثنا دانست. منصور برای اینکه جریان تصویب لایحه را بسپار عادی و طبیعی نشان دهد، استدعای فوریت کرد و علت آن را یک مطلب کلاما ساده و عادی تلقی کرد. مجلس شورای ملی، ۱۸۸ نماینده داشت که ۱۴۰ کرسی آن در اختیار حزب ایران نوین بود. دولت برای اینکه در رأی‌گیری دچار مشکل نشود روز قبل از طرح لایحه در مجلس، با نمایندگان حزب ایران‌نوین یک نشست خصوصی برپا کرد. جالب آنکه گزارش این جلسه ۳، بعدازظهر همان روز از سوی کاردار سفارت آمریکا به واشنگتن ارسال شد. جلسه رأی‌گیری لایحه در مجلس، روز ۲۱ مهر ماه ۴۳ ساعت ۸ صبح آغاز شد و تا ۵ بعدازظهر ادامه پیدا کرد. جلسه حتی برای صرف ناهار تعطیل نشد. در این جلسه ۱۵ نفر از نمایندگان علیه لایحه صحبت کردند که آنها نیز بعدا صحبت‌های خود را پس گرفتند. سرانجام لایحه مزبور در مجلس شورای ملی با ۷۴ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف از میان ۱۲۶ نفر، در حالی که تعدادی از ماموران سفارت آمریکا در صف تماشاچیان نشسته بودند، به تصویب رسید.

- رکب‌العمل حضرت امام علیه این لایحه**

با ظهور امام در اوایل دهه ۴۰ بتدریج حوزه علمیه قم به عرصه‌ای برای مخالفت با رژیم شاهنشاهی تبدیل شد. امام در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (مصوب ۶ مهر ۴۱) از مراجع اوزال قم خواستند

## چرا جامعه از کالای وارداتی استقبال می‌کند؟

## نتایج حمایت بی‌قیدوشرط از بازار انحصاری

در مقایسه با محصولات دیگر کشورها هستند. با این وصف، این فضای حمایتی از نسوی مردم نامحدود نیست و در صورت تداوم تولید با کیفیت پایین‌تر و هزینه بیشتر توسط تولیدکننده داخلی، هیچ تضمینی وجود ندارد که رجحان‌های مردم تغییر نکند. در چنین شرایطی، بعید است موعظه و نصیحت و اصرار، به ترغیب مردم برای خرید محصولات تولید داخل موثر باشد. تداوم تقید مردم به خرید کالاهای ساخت داخل بقصد حمایت از پیشرفت کشورشان، به تلاش تولیدکنندگان برای بهبود تدریجی کیفیت کالاهای خود و کاهش هزینه‌های تولید ارتباط دارد. مردم با روحیه وطن‌دوستی و گذشت از تمایل خود به داشتن کالای بهتر، به تولیدکنندگان داخلی فرصت می‌دهند تا کیفیت و هزینه تولیدات خود را مشابه خارجی قابل رقابت کنند اما اگر به هر دلیلی این اتفاق در مدتی معقول نیفتد، رفتار منطقی آن



است که مصرف‌کنندگان به‌دنبال ارضای نیازهای خود از طریق خرید کالاهای بهتر باشند. در این‌صورت خرید کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد. اما چه عامل مدتی مناسب به ارتقای کمی و کیفی تولیدات خود بپردازند. از طرف دیگر، مردم و ساکنان اینگونه جوامع به‌دلیل علایق ذاتی به پیشرفت‌مملکت یا تحت‌تأثیر درخواست دولت، تصمیم‌گیران و تأثیرگذاران جامعه، مایل و علاقه‌مند به حمایت از تولیدات داخلی از طریق اولویت خرید آنها به‌رغم کیفیت نازل تر یا قیمت بالاتر

تصمیمات غلط، قوانین و مقررات متعدد و بعضاً متناقض و نیز مزاحمت‌های فراوان دستگاه‌های مسؤول تولید (از ادارات بیمه و مالیات گرفته تا دستگاه‌های نظارتی)، توان تولید با کیفیت بالا را ندارند. با این وصف، در برخی سال‌ها که موانع کاهش یافته‌اند، بسیاری از تولیدکنندگان داخلی نشان داده‌اند قابلیت و توان تولید باکیفیت و قابل رقابت با محصولات وارداتی را دارند. نتیجه آنکه موانع پیش‌گفته هزینه‌های رسمی و غیررسمی و ظاهر و پنهان متعددی را به تولیدکننده تحمیل می‌کند؛ به گونه‌ای که در بسیاری موارد، تلاش آنها برای افزایش کیفیت و رقابتی کردن محصولات خود را بی‌نتیجه کرده است. آخرین ضربه فلج‌کننده به تولید، اجرای بد و بی‌تدبیر طرح هدفمندی یارانه‌ها بود که با تحمیل هزینه‌های اضافه، نه‌تنها توان تولید و رقابت را از بسیاری از تولیدکنندگان گرفت، بلکه منجر به کاهش تولید یا تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی شد. با این توضیحات، به نظر می‌رسد برای راغب کردن مردم به مصرف کالاهای داخلی، توسل به نصیحت و توصیه کافی نیست؛ زیرا همان‌گونه که در سطور بالا ذکر شد، افراد ذاتا به پیشرفت‌ کشور خود علاقه‌مندند و داشتن اقتصادی قوی با تولیداتی باکیفیت و برتر و قابل رقابت با کالاهای سایر کشورها، موجب غرور و بالندگی و مباهات ملت‌هاست، بنابراین برخورداری از چنین شرایطی نیازمند تبلیغ و نصیحت و سفارش به مردم نیست. در مقابل، باید تلاش شود در وهله اول با رفع موانع کسب‌وکار (موانع تولید) هزینه تولیدات کاهش یابد و در وهله بعد، در صورت نیاز با حمایت‌های منطقی و مدیریت‌شده و مدنت‌دار باید به تولیدکننده کمک کرد تا کیفیت محصولات خود را افزایش دهد تا با کالاهای وارداتی قابل رقابت باشد. بنابراین اگر مزاحمت‌های رایج در بخش تولید (معروف به موانع کسب‌وکار) کاهش یابد، آنگاه فعالیت‌ سازمانی مثل مؤسسه استاندارد و سایر دستگاه‌های نظارتی می‌تواند به افزایش کیفیت و کاهش هزینه تولید کمک کند. در غیر این‌صورت، حتی با داشتن سازمان‌های عریض‌وطول نظارتی، کیفیت تولید و محصولات داخلی بهبود نخواهد یافت و اجبار مردم به خرید محصولات داخلی در شرایط ایجاد فضای ناعادلانه و انحصاری، ظلم به آنها خواهد بود.

به بهبود کیفیت محصولات خودبپردازد.
**۲-** تولیدکنندگان به‌طور اعم و تولیدکنندگان داخلی به‌طور اخص، در شرایط رقابتی منطقا به‌دنبال بهبود کیفیت و کاهش هزینه‌های محصولات خود هستند اما وجود انبوه موانع داخلی و خارجی، مانع به نتیجه رسیدن تلاش فعالان اقتصادی در عرصه تولید خواهد شد. تعداد متدد نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از تولیدکنندگان داخلی با انبوه موانع دست‌به‌گریبان هستند. سال‌هاست تولیدکنندگان داخلی تحت‌تأثیر

**\*رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز منبع:برهان**

درنگ
<b>۲بال برای پرواز (۳)</b>
<span> </span> <span> </span> <span> </span> <span>▪</span> <span> </span> فرهاد ملازمینی
<p>تجربه دینی که در نوشتار قبلی وعده دادیم درباره آن و تفاوت آن با وحی یا همان آورده انبیا سخن بگوییم، مفهومی است که از سده نوزدهم مورد استعمال قرار گرفت. تجربه دینی امری است برآمده از احساس و نه عقل. تجربه دینی معرفتی به معنای ادراک حسی و محصول استدلالات عقلی نیست، همچنین در آن تاملات فلسفی و کلامی وجود ندارد. تجارب دینی دارای یک هسته مشترک هستند و آن همان معرفت بی‌واسطه از واقعیت غایی است. این هسته فراتر از مرز ادیان، متکثر و مختلف است هرچند این باور یعنی وجود هسته‌های مشترک در تمام تجارب دینی بدون معارض هم نیست زیرا عده‌ای از کارشناس فن، تجربه‌های دینی را برآمده از اعتقادات فرهنگی و دینی می‌دانند و می‌گویند اصل وجود اعتقادات دینی امری است که درباره تجربه دینی، بدون وجود آن، اعتقاد اتفاق نمی‌افتد. به هر روی حالاتی مانند حالات منامیه، رؤیا و خواب از جمله تجربه‌های دینی هستند که هم برای پیامبران و هم برای غیر ایشان جاری است، حال چه با مثال متصل مانند خواب و چه با مثال منفصل مانند دیدن فرشته که دومی مخصوص «رُسل» است.</p> <p>تجربه دینی امری است که برای معصوم و غیر آن اتفاق می‌افتد ولی آنچه برای معصوم اتفاق می‌افتد از سلک وحی است، یعنی هوای نفس در آن موثر نیست، در حالی که تجربه دینی شخص غیرمعصوم اینگونه نیست و وی نمی‌تواند ادعا کند در آن خلافتی رخ نداده است و آنچه تجربه کرده، یقین محض است. علامه طباطبائی تجربه دینی را امری موقوف به شناخت نفس دانسته و می‌فرماید: «کلید تجربه دینی، خودشناسی و معرفت نفس است و کسی در این میان گوی سبقت را خواهد بود که دارای صبغه الهی باشد و از نفس‌شناسی برتر برخوردار باشد، چنان که در حدیث می‌خوانیم عارف‌ترین شما به نغستان عارف‌ترین شماسست به پروردگارش. بدیهی است چنین شخصی به پرورگارش نزدیک‌تر است و از نعمت‌های او برخوردارتر.»<sup>(۱)</sup></p> <p>و از جایی که شناخت‌ها و تجربه‌ها به اعتبار تجربه‌گرها متفاوت هستند، نمی‌توان همه را در یک ردیف قرار داد، زیرا برخی تجربه‌گرها در راه سیر و سلوک و تصفیه روح گام برداشتند و برخی نیز به صورت اتفاقی، تجربه‌ای را مشاهده کرده‌اند، پس تجارب متفاوت و با عیارهایی گوناگون هستند. پس تجربه دینی تفاوت‌هایی با وحی دارد، یکی اینکه در تجربه دینی فرد نمی‌تواند تکرار آن را تضمین کند ولی وحی اینگونه نیست و پیامبر می‌داند مکرر وحی بر او نازل خواهد شد. دیگر اینکه پیامبر بنا بر آنچه در احادیث شریف می‌خوانیم وقتی وحی بر او نازل می‌شود، دارای حالتی از وقار می‌شود که هیچ چیز آن وقار را بر هم نمی‌زند و او (پیامبر) نیز در آنچه به او وحی شده است، شک نمی‌کند و می‌داند آنچه دریافت‌ه است، از نسوی پروردگار متعال بوده است اما تجربه دینی اینگونه نیست. از همین رو است که امام صادق(ع) در جواب سؤال «زراره» که درباره اینکه چگونه پیامبر شک نمی‌کند آنچه دریافت‌ه است با دخالت شیطان بوده یا نه، می‌فرماید: «خداوند وقتی بنده‌ای را به رسالت برمی‌گزیند به‌او وقاری عطا می‌کند و در نتیجه پیام‌آور خدا (فرشته وحی) به سوی او می‌آید و پیامبر او را به چشم می‌بیند؛ همانگونه که سایر مخلوقات را به چشم می‌بیند.»<sup>(۲)</sup> پس تفاوتی دیگر که می‌توان میان پیامبران و تجربه‌گران دینی دیگر بیان کرد، سلوک و روش زندگانی پیامبران است. اگر کسی با دقت به اعمال پیامبران و سایرین نگاه کند، حتما متوجه خواهد شد دریافت‌کننده وحی، با کسی که صرفا تجربه‌ای دینی را کسب کرده، تفاوتی فاحش دارد، زیرا پیامبر دارای صفای روح و تصفیه باطنی است که در تمام شئون زندگی او جریان دارد. همانطور که بیان شد، آنچه پیامبران می‌بینند و درک می‌کنند، در حوزه‌ای است که شکی به آن راه ندارد و ایشان میان چند چیز سرگردان نیستند که ندانند کدام حقیقت و کدام مجاز است، بلکه ایشان به‌ جایگاهی بار یافته‌اند که حقیقت محض است و وهم و خیال به آن راه ندارد. این در حالی است که تجربه‌گراهای دینی در مراحلی سیر می‌کنند که اوامر در ایشان راه داشته و از همین به‌گذر است که شیطان می‌تواند در آنها اثر گذارد. پس روشن شد آنچه پیامبران با آن، مردم را هدایت می‌کنند، هرچند تجربه دینی است ولی تجربه‌ای از سنخ سایر تجارب نیست، زیرا هم تجربه‌کننده و هم تجربه، از خطامصون هستند.</p> <p>***</p>
۱-المیزان جلد ۶ ص ۱۷۰
۲-بحارالانوار ج ۱۸ ص ۲۶۲